



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 2, 2022

Indicators of Judicial Action in Iran's Criminal Justice System Based on Jurisprudential Teachings

Zahra Akbari¹, Mohammad Ali Ardebili*², Mohammad Ashouri³, Nasrin Mehra⁴

1. Ph.D Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 53-61

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-8332-5219

TELL: +989121385792

Email: m-ardebili@sbu.ac.ir

Article history:

Received: 31 Mar 2022

Revised: 02 May 2022

Accepted: 18 May 2022

Published online: 22 Jun 2022

Keywords:

Judicial Independence,
Impartiality, Citizen's Rights,
Criminal Justice, Judicial
Action.

ABSTRACT

Reforming the structure of the judicial system by clarifying the criteria of judicial action has been the concern of the majority of criminal justice systems in recent decades. The meaning of judicial action criteria is the requirements that judicial actors in general and criminal judges in particular must adhere to. One of the most important sources in order to know the criteria of judicial action is to refer to the foundations and doctrines of jurisprudence. The findings from the descriptive-analytical study of the aforementioned criteria in the current criminal justice system of Iran, relying on the foundations and teachings of jurisprudence, show that: first; The criteria of judicial action (both positive and negative), parallel to the difference in historical, political and religious contexts in different legal systems, are different and a kind of relativity rules over their examples. Secondly; Most of the examples of judicial action criteria in legal texts and doctrines can be seen in the form of the need to respect the rights of individuals (citizenship rights), the independence and impartiality of the judicial authority. Thirdly; in the current criminal justice system of Iran, the legislator, influenced by the principles and doctrines of jurisprudence, has determined the aforementioned criteria on a case-by-case basis. Fourthly; The Iranian legislator has taken steps to provide for the guarantee of execution in case of violation of the standards of judicial action, which can be mentioned as the most important law in this field, along with scattered laws, the law on monitoring the behavior of judges. Despite what has been said, it seems that the Iranian legislator has remained silent regarding the ambiguous aspects of the indicators of judicial action and the results of not complying with them in the implementation of fair proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Akbari, Z; Ardebili, MA; Ashouri, M & Mehra, N (2022). "Indicators of Judicial Action in Iran's Criminal Justice System Based on Jurisprudential Teachings". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(2): 53-61.

مقدمه

کلی، مجمل و پراکنده‌ای به چشم می‌خورد که علاوه بر ایجاد معضلات در سطح نظام عدالت کیفری، موجب بروز مشکلاتی نیز برای مراجعین، کنشگران قضایی به طور عام و قضات به طور خاص گردیده است. بر مبنای مجموع آنچه گفته شد و با توجه به ضرورت تعیین و تبیین موردی شاخص‌های کنش قضایی، در پژوهش پیش‌روی، بر آن شدیم تا با هدف واکاوی شاخص‌های مزبور در ساحت حقوق کیفری و با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، به تبیین و ارزیابی ضرورت، انواع و ضمانت اجرای شاخص‌های مزبور در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران با تکیه بر مبانی و آموزه‌های فقهی مرتبط بپردازیم؛ بر این مبنای، پرسش اصلی و بنیادین پژوهش را می‌توان اینگونه مطرح نمود که مهمترین شاخص‌های کنش قضایی در نظام عدالت کیفری حال حاضر ایران با در نظر گرفتن مبانی و آموزه‌های فقهی چیست؟

۱- مفهوم شاخص‌های کنش قضایی

در یک نگاه کلی، توقع جامعه از جایگاه منصب قضا بالا است؛ اما شأن قضایی را نوع رفتار قضات، مشخص می‌نماید. نوع رفتار قاضی چه در محکمه و چه در بیرون از محیط دادگاه، ملاک سنجش شأن قضایی می‌باشد. با تأکید بر این مسأله که دستگاه قضایی، سیستمی انسان‌محور و اراده‌محور است و تصمیم‌گیری در آن، مبتنی بر دانش، ارزش‌ها و فهم درست در کنار عوامل روحی و شخصیتی است، نقش شاخص‌های رفتاری، بیش از پیش آشکار می‌گردد. شاخص‌های کنش قضایی، بایسته‌ها و الزاماتی هستند که راهنمای قضات در نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آنها در طیف وسیعی از فعالیت‌هایشان بر مبنای اصول تعیین شده در سیاست‌های قوه قضاییه می‌باشند.

۲- ضرورت وجود شاخص‌های کنش قضایی

موفقیت یک سازمان، عمدتاً به رفتارهای کارکنان آن متکی است؛ چراکه آنها، اقدامات استراتژیک را به اجرا در می‌آورند. درخصوص دستگاه و منصب قضایی به طور خاص، یکی از قضات استرالیا در زمینه ضرورت تعیین شاخص‌های رفتاری در حوزه فوق، این‌گونه اظهار نظر نموده است: تردیدی نیست که قضات باید براساس معیارهایی مشخص، هم در داخل و هم در خارج از دادگاه رفتار نمایند. اعمال اقتدارگرایانه قابل

اجرای صحیح عدالت قضایی، به سلامت دستگاه قضایی بستگی دارد و سلامت این دستگاه، معلول عوامل مختلفی از جمله کنش مناسب و قانون مدارانه‌ی قضات است. به طور کلی، کنش قضایی قضات به عنوان افرادی دارای قدرت وسیع که یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی را اعمال می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود کدهای رفتاری^۱ یا شاخص‌های کنش قضایی، در شکل‌گیری رفتار قضات به عنوان بخشی از متصدیان قدرت، نقشی مهم و اساسی را ایفا نموده و ارزیابی این رفتارها را از جانب مردم و نمایندگان آنها، امکان‌پذیر می‌سازد. شاخص‌های کنش قضایی همچنین تأثیری مستقیم بر تضمین استقلال، ارتقاء اثربخشی قضایی و درست‌کاری و پاک‌دستی کنشگران قضایی دارند. شاخص‌های مزبور، حاوی موارد ایجابی و سلبی است. تعیین موردی شاخص‌های کنش قضایی، از مقوله‌هایی است که تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال، بر آن تأکید داشته و دارند؛ چراکه در غیر این صورت، اعتماد مردم به دستگاه قضایی به طور عام و نظام عدالت کیفری به طور خاص، مخدوش شده و این امر، تهدیدی برای فرآیند توسعه و مردم‌سالاری خواهد بود. یکی از مرسوم‌ترین و شاید کارآمدترین شیوه‌ها به منظور تعیین موردی شاخص‌های کنش قضایی، استفاده از مبانی و آموزه‌های فقهی است. قانونگذار ایرانی، در دهه‌های اخیر سعی نموده با استفاده از مبانی و آموزه‌های گفته شده، ضمن تعیین موردی و صریح شاخص‌های کنش قضایی در ساحت نظام عدالت کیفری، از بروز تشّت در این زمینه نیز جلوگیری نماید. با وجود آنچه گفته شد، هنوز در مقوله تعیین، تدوین و تصویب شاخص‌های کنش قضایی در ساحت نظام عدالت کیفری ایران، مقررات

۱ - مجموعه هنجارهایی که امروزه با عناوینی چون قانون، آئین‌نامه، مقررات یا بخش‌نامه از سوی مراجع صلاحیت‌دار، برای رعایت همه یا بخشی از اعضای جامعه وضع و ابلاغ می‌شوند، کدهایی هستند که برای بهنجارسازی رفتارها پدید آمده‌اند و بنابراین، از یک نگاه می‌توان همه آنها را زیر عنوان کدهای رفتاری گنجانید (منفرد و جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۰۹).

دستگاه قضایی^۱ و نیز استقلال در کارکرد قضات به منظور رسیدگی به پرونده‌های قضایی است (گریفیث، ۱۹۹۸: ۱۳-۱۱)؛ بنابراین تحقق استقلال قضایی از یک سو، مستلزم تضمین استقلال ساختاری قوه قضاییه و از سوی دیگر، ایجاد سازوکارهایی برای تضمین استقلال فردی قضات است. در مورد استقلال فردی قضات، سه شرط حداقلی برای تحقق آن عبارتند از: امنیت شغلی، امنیت مالی و استقلال سازمانی (شاه‌حیدری و همتی، ۱۳۹۶: ۵۵) و در نهایت درخصوص بی‌طرفی مقام قضایی، یکی از مهمترین جلوه‌های این شاخص کنش قضایی، رفتار قاضی محکمه در حین رسیدگی است و بر این مبنای تمامی افعال و کنش‌های مشارالیه، بایستی حاکی از رعایت شاخص مزبور بوده و جانب‌داری به سمت یکی از طرفین نداشته باشد. توضیح مطلب اینکه قاضی همچون سایر شهروندان، از حق آزادی عقیده، آزادی بیان و شرکت درتشکل‌ها و گردهمایی‌ها برخوردار است؛ ولی نباید با اِعمال این حقوق، به گونه‌ای رفتار کند که استقلال و بی‌طرفی دستگاه قضایی مخدوش گردد؛ وی نباید به خانواده، اجتماع یا سایر وابستگان خود اجازه دهد که به طور ناروا، بر کنش قضایی و قضاوتش تأثیر بگذارند. متصدی منصب قضا، نباید این تصور را ایجاد کند یا به دیگران اجازه ایجاد این تصور را بدهد که شخصی نزد وی، چنان جایگاهی دارد که قادر است در اجرای وظایف قضایی، به طور ناروا، بر وی تأثیر گذارد. به بیان ساده، فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قاضی باید در چارچوب‌های تعیین شده قرار گرفته و عملکرد قضایی وی را تحت تأثیر قرار ندهد. بدیهی است که تضاد منافع ظاهری، سبک رفتار قاضی در مسند قضا و نیز معاشرت‌های وی در درون و بیرون دادگاه، سبب ایجاد حس جانب‌داری یا تبعیض ناشی از عدم بی‌طرفی خواهد شد. از مجموع آنچه درخصوص استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی گفته شد، می‌توان به این نتیجه رسید که بی‌طرفی، اصولاً

ملاحظه‌ای، روزه‌روز به قضات واگذار می‌شود. اِعمال این اقتدار، آثار چشمگیری بر زندگی و سرنوشت افرادی که نزد قضات می‌آیند، دارد. شهروندان نمی‌خواهند چنین اقتداری به فردی که درستکاری، لیاقت و سایر شاخص‌های فردی اش مورد تردید است، داده شود؛ لذا ضروری است که شاخص‌های رفتاری هم در داخل دادگاه و هم درخارج از دادگاه، وجود داشته باشد که در پاسخ به انتظارات شهروندان، طراحی شده است (توماس، ۲۰۱۵: ۷).

۳- انواع شاخص‌های کنش قضایی

شاخص‌های رفتار قضایی را از یک منظر می‌توان به شاخص‌های ایجابی و شاخص‌های سلبی تقسیم نمود.

۳-۱- شاخص‌های ایجابی

مقصود از شاخص‌های ایجابی، رفتارهایی است که بایستی سرلوحه عمل قضات در امر قضاوت قرار گیرد. رعایت حقوق اشخاص (حقوق شهروندی)، استقلال مقام قضایی و نیز بی‌طرفی آن را می‌توان در عداد مهمترین شاخص‌های ایجابی کنش قضایی برشمرد. در مورد رعایت حقوق اشخاص (بالاخص حقوق شهروندی)، مفاهیم و معیارهای این حقوق را می‌توان از مهم‌ترین عوامل توسعه حقوق کیفری معاصر قلمداد نمود که علاوه بر انعکاس در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، بر قوانین آیین دادرسی کیفری در سطح ملی نیز تأثیرگذار بوده‌اند (رضوی و خزایی، ۱۳۸۶: ۸۶). در ارتباط با استقلال مقام قضایی، بایستی گفت که این شاخص، پیش‌شرط حاکمیت قانون و تضمین بنیادین دادرسی منصفانه است. در دولت مدرن مبتنی بر قانون اساسی، استقلال دستگاه قضایی ریشه خود را از «نظریه تفکیک قوا» در یک نظام مبتنی بر نظارت و تعادل متقابل نهادهای حکومتی به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت اخذ می‌کند. این استقلال بدان معنا است که هم دستگاه قضایی (قوه قضاییه) به عنوان یک نهاد و هم قضات به عنوان تصمیم‌گیرندگان پرونده‌های قضایی باید وظایف و مسؤولیت‌های خود را بدون تأثیرپذیری منفی از قوای مجریه و مقننه و سایر عوامل فشار انجام دهند (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). به بیان دیگر، استقلال قضایی، مشتمل بر استقلال سازمانی و نهادی

۱ - منظور این است که قوه قضائیه چون وجه تضمین حقوق و آزادی‌های مردم و در مقام اجرای عدالت می‌باشد، از لحاظ سازمانی و تشکیلاتی در قوای دیگر حل نشود و خارج از نظام ساختاری، سازمانی و تشکیلاتی سایر قوا باشد، به طوری که وظایف این قوه، تحت شعاع نفوذ سایر قوا و نهادهای دیگر قرار نگیرد. (جانی پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۳).

این که بسیاری از شاخص‌های مدون، مورد پذیرش تمامی نظام‌های حقوقی دنیا است.

۵- شاخص‌های کنش قضایی از منظر آموزه‌های فقهی

همانگونه که گفته شد، شاخص‌های رفتاری، آن دسته از شاخص‌های کنش قضایی هستند که راهنمای قضاوت در نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آن‌ها در طیف وسیعی از فعالیت‌هایشان بر مبنای اصول تعیین شده در سیاست‌های قوه قضاییه می‌باشند؛ بدیهی است که این سیاست‌ها، خود از آموزه‌های معتبر فقهی اقتباس یافته است. اغلب شاخص‌های رفتاری قضاوت نظیر لزوم رعایت حقوق اشخاص (حقوق شهروندی) و همچنین استقلال و بی‌طرفی قاضی، در نظام حقوقی اسلام، دارای سابقه‌ای دیرین است؛ در مورد لزوم رعایت حقوق افراد اشخاص (حقوق شهروندی) بایستی گفت که در نگاه اسلامی، حقوق و تکالیف برای فرد، به صورت ممزوج و با هدف تعالی فرد و جامعه مدنظر قرار گرفته است (قنبری، ۱۳۹۹: ۹) و قرآن کریم در کنار مباحث مربوط به ذات انسان و معرفی برخی از حقوق ذاتی (یا همان شهروندی)، مطالبی درباره کرامت انسان نیز مطرح کرده است (مؤمنون/۱۴؛ بقره/۳۰؛ اسراء/۷۰). درخصوص استقلال قضایی، در فقه اسلامی، مبحثی تحت عنوان «آداب القضاء» وجود دارد و علاوه بر آیین دادرسی، شامل رفتار قضایی نیز می‌شود. از نتایج مهم عمل به آداب یاد شده، تضمین استقلال قاضی است (سلیمیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴). همچنین درخصوص لزوم بی‌طرفی قاضی، فقها این شاخص را نه به عنوان یک توصیه اخلاقی، بلکه به عنوان یک واجب شرعی بیان نموده‌اند که عدم رعایت آن، موجب خروج دادرسی از عدالت خواهد بود. روایت منصوب به حضرت علی (ع) که فرمودند: «مَنْ إِبْتَلَى بِالْقَضَاءِ فليُؤاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَالنَّظْرِ وَ فِي الْمَجْلِسِ»؛ یعنی هرکس که عهده دار قضاوت می‌شود، باید برای طرفین دعوا، در اشاره کردن، نگاه کردن و جای دادن، برابری کامل را رعایت کند (فرحزادی، ۱۳۹۷: ۴۹)، در این زمینه کاملاً گویا و فاقد ابهام است.

یک نگرش ذهنی می‌باشد که به سختی، قابل ارزیابی است؛ در حالی که استقلال، لزوماً نمود خارجی آن چیزی است که به عنوان پیش زمینه آن نگرش ذهنی مطرح می‌شود و بررسی عینی ارتباط میان طرفین دعوی و مقام قضایی است (هانگ‌لین و لورنس، ۲۰۰۳: ۹۳۵).

۳-۲- شاخص‌های سلبی

شاخص‌های سلبی، رفتارهای ممنوعه یا نهی شده‌ای است که منصوبین قضایی بایستی از آن پرهیز نمایند؛ به بیان دیگر، شاخص‌های سلبی، رفتارهایی هستند که افراد در مناصب و موقعیت‌های مختلف، باید از انجام آن‌ها خودداری نمایند؛ این رفتارها با توجه به مشاغل و اهداف سازمان‌ها باهم متفاوتند. بر مبنای آنچه درخصوص شاخص‌های ایجابی گفته شد، عدم رعایت حقوق اشخاص (حقوق شهروندی)^۱، عدم استقلال مقام قضایی و نیز فقدان بی‌طرفی آن را می‌توان در عداد مهمترین شاخص‌های سلبی کنش قضایی برشمرد.

۴- نسبییت شاخص‌های کنش قضایی

مک‌کی در زمینه علت یکسان نبودن شاخص‌های رفتار قضایی در کشورهای مختلف جهان، این‌گونه اظهارنظر می‌نماید: تفاوت شاخص‌های رفتار قضایی در نظام‌های قضایی، ناشی از تفاوت زمینه‌های تاریخی، سیاسی و مذهبی است که قضاوت در آن عمل می‌کنند؛ در این رابطه، دیدگاه‌ها در آمریکای شمالی در مورد آنچه سوء رفتار قضایی را تشکیل می‌دهد، ممکن است از دیدگاه‌ها در آفریقا، متفاوت باشد (مک‌کی، ۱۹۹۸: ۷)؛ بنابراین پرواضح است که ما با گوناگونی و نسبییت شاخص‌ها در ارتباط با رفتارهای قضایی، در کشورهای مختلف روبه‌رو باشیم؛ اما آنچه حائز اهمیت است

۱ - از حقوق شهروندی دو گونه تعریف موسع و مضیق به عمل آمده است؛ مفهوم موسع حقوق شهروندی را می‌توان حقوق و آزادی‌های شهروندان و هرآنچه به آن مرتبط است، دانست؛ این حقوق، مشتمل بر حقوق سیاسی، اقتصادی، مدنی و اجتماعی است (مؤدّن زادگان و محمد کوره پز، ۱۳۹۵: ۵۵). برخورداری فرد از حقوق شهروندی به معنای موسع کلمه را می‌توان منوط به زندگی وی در قلمرو خاص مکانی و جغرافیایی و همچنین رابطه میان او و واحد سیاسی حاکم دانست (روشن و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴). منظور از حقوق شهروندی در معنای مضیق، بُعد اجتماعی آن و حقوق قضایی شهروندان است؛ چنانکه در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز در این معنا به کار رفته است.

۶- شاخص‌های کنش قضایی در نظام عدالت کیفری ایران

قانونگذار در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً عنوان می‌نماید: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند». همچنین مقنن در ماده ۷ قانون مزبور، بحث لزوم رعایت حقوق شهروندی را توسط مقام قضایی و سایرین بیان نموده و اشعار می‌دارد: «در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۴/۴ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد». در مورد لزوم رعایت حقوق شهروندی اشخاص به‌مثابه یک شاخص برای کنش قضایی، تفاوتی که در ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با ماده واحد قانون مصوب ۱۳۸۳ می‌توان یافت، این است که در ماده ۷، علاوه بر «کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه» که در ماده واحد تکلیف رعایت حقوق متوجه آنها بود، سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی کیفری (از جمله وکلا و کارشناسان و غیره) دخالت دارند نیز مکلف به اجرای این حقوق می‌شوند (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۲۱۱). در ارتباط با استقلال قاضی، علاوه بر ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که اشاره شد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز جایگاه ویژه‌ای برای قوه قضاییه به‌منظور تضمین استقلال آن در نظر گرفته شده است؛ به گونه‌ای که افزون بر تأکید بر مستقل بودن قوه قضاییه ناشی از اصل تفکیک قوا (اصل ۵۷)، در اصل ۱۵۶ نیز بر استقلال سازمانی و نهادی این قوه تأکید و تضمین‌هایی را نیز در این راستا پیش‌بینی و مقرر نموده است (هاشمی، ۱۳۸۹: ۳۷۰). علاوه بر اصول گفته شده، می‌توان به اصول ۱۵۸ (درخصوص نحوه گزینش

قضات عادل و شایسته) و ۱۶۴ (درخصوص مصونیت و عدم نقل و انتقال قضات) نیز اشاره نمود. درخصوص شاخص رفتاری بی‌طرفی نیز علاوه بر ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که اشاره شد، به موجب اصل ۳ قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم ... همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی... ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون...» علاوه بر اینکه ایجاد امنیت قضایی عادلانه و تساوی عموم در برابر قانون، به روشنی دلالت بر لزوم بی‌طرفی در دادرسی دارد، رفع تبعیض و حفظ کرامت انسانی را نیز می‌توان از مبانی بی‌طرفی در دادرسی دانست. علاوه بر قانون اساسی، در قوانین عادی نیز عبارت خروج از بی‌طرفی، مندرج در بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۰) را می‌توان به عنوان تمهیدی برای جلوگیری از خروج قاضی از بی‌طرفی شامل فرآیند دادرسی، صدور حکم و اجرا قلمداد نمود. در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، قانونگذار با بیان کلیاتی از اصل بی‌طرفی در مادتهای ۳ و ۹۲ و همچنین اعلام قاعده رد دادرسی در ماده ۴۲۱، ضرورت رعایت اصل بی‌طرفی را متذکر شده است؛ هرچند به نظر عده‌ای (محمّدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵) به جنبه‌های ابهام‌انگیز اصل فوق و نتایج رعایت و عدم رعایت آن در اجرای دادرسی عادلانه و تضمین حقوق طرفین، اشاره‌ای ننموده است.

۷- ضمانت اجرای نقض شاخص‌های کنش قضایی

مدیریت قضایی در هر جامعه‌ای، باید چارچوب‌های لازم برای تضمین شاخص‌های رفتاری قضات را ایجاد نماید؛ در غیر این صورت، به درستی به وظایف خود عمل ننموده است. دو ویژگی برجسته الزام‌آور بودن و نیز تضمین اجرا از جانب دولت و حکومت، قاعده حقوقی را از مجموعه قواعد اخلاقی، عرفی و مذهبی ممتاز می‌کند. درخصوص مفهوم ضمانت اجرا گفته شده است: «هرگاه یک قانون را یکی از افراد جامعه نقض کند، قدرت عمومی برای حفظ نظم و حقوقی که ضمن نقض آن قانون تباه شده، عکس العمل نشان می‌دهد این عکس العمل را

می‌شود که شاید این مجازات، عنوان کیفری داشته باشد؛ با مذاقه در روح قانون مورد تصویب، به نظر می‌رسد منظور از این نحوه نگارش، صرفاً تنبیهات اداری و انتظامی است. بر اساس تبصره ۲ ماده واحده طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام، چنانچه بنا به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید (نقض حقوق شهروندی)، حکم صادره، فاقد اعتبار قانونی است و برای بار اول، موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم، موجب انفصال از شغل قضایی می‌شود. لازم است یادآوری شود که در قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ برابر تبصره ماده ۱۹۰ آن نیز در صورت سلب حق همراه داشتن وکیل، قاضی به مجازات انتظامی درجه ۸ محکوم می‌گردد و چنانچه این حق به متهم تفهیم نگردد، مجازات انتظامی درجه ۳ در انتظار او است. علاوه بر آنچه گفته شد، ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحات و الحاقات مورخ ۱۳۸۹/۵/۹ نیز از دیگر قوانین مورد اشاره است که مقرر نموده: «دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید، تخلف از مقررات مذکور، موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالا می‌گردد». النهایه قوه قضاییه، لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضایی قضات را تهیه و توسط دولت طی نامه شماره ۴۳۲۸۴/۱۱۲۳۵۲ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۳، تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود، نهایتاً پس از بررسی‌های انجام گرفته، در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۱۷، لایحه تقدیمی دولت تحت عنوان قانون نظارت بر رفتار قضات تصویب و در تاریخ ۱۳۹۰/۷/۲۷ به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامه شماره ۴۶۳/۴۸۸۵۶ مورخ ۱۳۹۰/۸/۷ مجلس شورای اسلامی به دولت (رئیس جمهور) جهت ابلاغ، ارسال و متعاقب آن، ریاست جمهوری، طی نامه شماره ۱۵۶۴۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۸/۱۵، قانون مصوب فوق را جهت اجرا، ابلاغ، تا تشریفات درج و انتشار آن در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی

ضمانت اجرا گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۸۶)؛ بنابراین ضمانت اجرا عبارت است از وسیله مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن الزامات قانونی؛ به عبارت دیگر، ضمانت اجرا ابزاری است که اجرای مؤثر قواعد حقوقی را تضمین می‌نماید و از طرف قوای عمومی در جامعه، به کار گرفته می‌شود. دارا بودن ضمانت اجرا، مهمترین وجه متمایزکننده قواعد حقوقی از سایر قواعد اجتماعی است. تعیین ضمانت اجرا به منظور مقابله با نقض شاخص‌های رفتاری قضات، به گذشته‌های نه‌چندان دور باز می‌گردد؛ تا قبل از سال ۱۳۰۴ شمسی، علی‌رغم این‌که سازمان و تشکیلات مشخصی مانند اداره نظارت، برای رسیدگی به تخلفات قضات در کشور موجود بود، لیکن در خصوص نقض شاخص‌های رفتاری قضات و ضمانت اجرای آن‌ها، مقررات خاص و ویژه‌ای وجود نداشته است؛ متعاقب آن، قانون اصول تشکیلات عدلیه در سال ۱۳۲۹ هجری قمری به تصویب رسید که به طور مدون، مقرراتی برای رسیدگی به تخلفات و نقض شاخص‌های رفتاری قضات، پیش‌بینی نموده بود؛ در این راستا، می‌توان به مواد ۱۷۹ و ۱۸۰ این قانون اشاره نمود؛ همچنین ماده ۲۸۸ قانون مجازات عمومی، مقرراتی برای برخورد قانونی با قضات تعیین نمود که دارای نواقص فراوانی بوده است؛ تا اینکه نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها در ۱۳ اسفند ۱۳۰۴ به تصویب هیأت وقت وزیران رسید (کاظم‌زاده، ۱۳۸۹: ۲). قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۴/۵، یکی از اولین قوانینی است که پس از انقلاب اسلامی به تصویب رسیده و در ماده ۴۱، تبصره ۲ ماده ۴۷ و ماده ۸۷ آن، مواردی از تخلفات دادستان یا نماینده وی را مورد توجه قرار داده است که حسب مورد، به مجازات انتظامی کسر حقوق تا یک‌سوم از یک ماه تا شش ماه و به حکم مراجع صالحه محکوم می‌شوند. در ماده ۳۲ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۴، به تأسی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران، به تخلفات دادستان یا نماینده او اشاره گردید؛ با این تفاوت که در قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران، از عبارت جرم و تأدیب و تعزیر سخن گفته شده است و لذا این شبهه ایجاد

ایران انجام و با انقضای مهلت ۱۵ روز پس از انتشار، اجرای آن رسماً عملی گردد.

نتیجه‌گیری

کنش قضایی قضات به عنوان افرادی دارای قدرت وسیع که یکی از مهم‌ترین وظایف حاکمیتی را اِعمال می‌کنند، از اهمیت بالایی برخوردار است. تردیدی نیست که کنش قضات، بایستی بر مبنای شاخص‌های معین باشد. شاخص‌های کنش قضایی، بایسته‌ها و الزاماتی هستند که راهنمای قضات در نحوه انجام تکالیف رسمی و مشارکت آنها در طیف وسیعی از فعالیت‌هایشان بر مبنای اصول تعیین شده در سیاست‌های قوه قضاییه می‌باشند. این شاخص‌ها (اعم از ایجابی و سلبی)، در کشورهای مختلف جهان، یکسان نبوده و متناسب با زمینه‌های تاریخی، سیاسی و مذهبی‌ای هستند که قضات در آن عمل می‌کنند. تعیین موردی شاخص‌های کنش قضایی، از مقوله‌هایی است که تقریباً تمامی نظام‌های حقوقی (در گذشته و حال)، بر آن تأکید داشته و دارند. یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌ها در این راستا، استفاده از مبانی و آموزه‌های فقهی است که مراجعه به آنها، لزوم رعایت حقوق اشخاص (حقوق شهروندی)، استقلال و بی‌طرفی مقام قضایی را به عنوان عمده‌ترین مصادیق شاخص‌های کنش قضایی از منظر نظام کیفری اسلام نشان می‌دهد. قانونگذار ایرانی، در دهه‌های اخیر سعی نموده با استفاده از مبانی و آموزه‌های فقهی، ضمن تعیین موردی و صریح شاخص‌های کنش قضایی در ساحت نظام عدالت کیفری، از بروز تشّت در این زمینه نیز جلوگیری نماید. الزام به لزوم رعایت حقوق شهروندی اشخاص در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تأکید بر بی‌طرفی و استقلال مقام قضایی حسب مورد در اصول ۳، ۵۷، ۱۵۶، ۱۵۸ و ۱۶۴ قانون اساسی، مادّین ۷، ۹۳ و ۴۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و نیز بند ۴ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ بخشی از تلاش‌های قانونگذار کیفری ایران در این راستا است. قانونگذار ایرانی علاوه بر تأکید بر لزوم رعایت شاخص‌های کنش قضایی در ساحت نظام عدالت کیفری، به پیش‌بینی

ضمانت اجرا نیز در قبال نقض شاخص‌های مزبور مبادرت ورزیده است که در کنار قوانین پراکنده، قانون نظارت بر رفتار قضات، به عنوان مهم‌ترین قانون در این زمینه، قابل ذکر است. با وجود آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد قانونگذار ایرانی به به جنبه‌های ابهام انگیز شاخص‌های کنش قضایی و نیز نتایج عدم رعایت آنها در اجرای دادرسی منصفانه اشاره‌ای ننموده است و به دلیل اجمال گویی و عدم شفافیت در قوانین اشاره شده، این قوانین، از مسیر عدالت فاصله گرفته و اهداف عالیه مورد نظر را تأمین نمی‌نمایند. با عنایت به آنچه گفته شد، پیشنهاد می‌گردد که اولاً شاخص‌های کنش قضایی (اعم از سلبی و ایجابی) و نیز چارچوب‌های آنها، به طور مفصل و شفاف از جانب قانونگذار تشریح شود. ثانیاً آثار و تبعات نقض این شاخص‌ها نیز هر یک به طور موردی، تبیین و وضع گردند؛ چراکه اینگونه تبیین مسائل، انطباق بیشتری با مبانی و آموزه‌های فقهی دارد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: در پژوهش انجام شده، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده دوم به عنوان نویسنده مسؤول، نویسنده نخست به عنوان همکار اصلی و نویسنده سوم و چهارم نیز ناظر تحقیق می‌باشند.

تشکر و قدردانی: نویسندگان از همه بزرگوارانی که در ویرایش ادبی و نگارشی و همچنین صفحه آرایی این مقاله پژوهشی، همیاری و راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و امتنان را دارند.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- کاظم‌زاده، علی (۱۳۸۹). *تنقیح و تحلیل مقررات انتظامی قضات*. تهران: انتشارات جنگل.

- محمدی، عادل؛ چلونگر، الناز و اکبیا، مهسا (۱۳۹۶). *جایگاه اصل بی طرفی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید*. تهران: انتشارات خرسندی.

- منفرد، محبوبه و جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۱). «کدهای رفتاری و پیشگیری از بزهکاری». *پژوهشنامه حقوق کیفری*. ۳(۲): ۱۳۴-۱۰۵.

- مؤذن زادگان، حسنعلی و محمد کوره پز، حسین (۱۳۹۵). «ضمانت‌های اجرایی نقض حقوق شهروندی در فرآیند تحقیقات پلیسی». *دوفصلنامه آموزه های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)*. ۱۳(۱۱): ۸۶-۵۳.

- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۹). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات میزان.

- یاوری، اسدالله و تنگستانی، محمد قاسم (۱۳۹۵). «نظام پاسخگویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه». *مجله حقوقی دادگستری*. ۸۰(۹۵): ۱۸۰-۱۵۱.

ب. منابع انگلیسی

- Griffith, G (1998). "Judicial Accountability". *NSW Parliamentary Library Research Service*.

- Hong-Lin, Y & Shore, L (2003). "Independence, Impartiality, and Immunity of Arbitrators US and English Perspectives". 52 *Int'l & Comp. L.Q.* 935.

- MacKay, A. W (1998). "Judicial Ethics: Exploring Misconduct and Accountability for Judges". Report to the Commonwealth Judicial Education Institute.

- Thomas, J.B (2015). *Judicial Ethics in Australia*. Sydney: Law Book Company.

- جانی پور، کرم؛ جانی پور، علی و دالکی، تورج (۱۳۹۹). «بررسی استقلال قاضی از منظر فقه و قانون». *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*. ۶(۲): ۱۲-۱.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۹). *مقدمه عمومی علم حقوق*. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات گنج دانش.

- رضوی، محمد و خزایی، سید علی (۱۳۸۶). «حقوق شهروندی متهم در فرآیند کشف جرم». *فصلنامه دانش انتظامی*. ۹(۴): ۸۵-۱۰۷.

- روشن، محمد؛ بیرانوند، رضا و یاراحمدی، حسین (۱۳۹۳). «حقوق شهروندی، پیشینه و جایگاه آن در مناسبات پلیس». *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*. ۱۱(۳): ۱۳۸-۱۱۱.

- ساریخانی، عادل (۱۳۹۷). «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴». *فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*. ۱۳(۱): ۲۳۱-۲۰۷.

- سلیمیان، ابوالفضل؛ ایزدپناه، غلامرضا و احمدیان، سعید (۱۳۹۹). «بررسی استقلال نهاد قضاوت و وکالت از منظر فقه امامیه و حقوق ایران و حقوق بین‌الملل». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف*. ۳(۱۱): ۲۹-۷.

- شاه حیدری، محمدعلی و همتی، مجتبی (۱۳۹۶). *شرح اصول رفتار قضایی (اصول بنگلور)*. چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.

- فرحزادی، علی اکبر (۱۳۹۷). «معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی (دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری)*. ۵(۱۹ و ۲۰): ۸۰-۳۷.

- قنبری، مهدی (۱۳۹۹). «درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در پرتو حقوق عمومی اسلام». *فصلنامه فقه و تاریخ تمدن*. ۶(۴): ۷-۱۵.